

یادداشت

بی‌فرهنگی یا بی‌مایگی؟

تیرداد بنکدار

● «ما مردم بی‌فرهنگی هستیم! قبول کنیم که ایرانیان فرهنگ ندارند! ایرانی بی‌فرهنگ است! شما ادعای تمدن دوهزارو ۵۰۰ساله هم دارید؛ ولی فرهنگ ندارید! و…» اینها نمونه‌هایی از تعابیری هستند که در سال‌های اخیر، از سوی شمار زیادی از ایرانیان در توصیف خویشان به کار برده می‌شود و همان‌طور که تلاش شد در نمونه‌ها هم نمایانده شود، این خودکم‌بینی ملی ابتدا به صورت خودزنی و با ضمیر ما به کار می‌رود؛ اما سپس بسیاری از مدعیان ارزیابی فرهنگ ایرانی، به پشتوانه لایذ آنچه نقادی خود پنداشته‌اند، از موضع دانای کل، خود را تافته‌ای جدابافته فرض کرده و با نگاهی از بالا به شمات و تحقیر هم‌میهنان خود می‌پردازند.

پیش از هر سخنی باید ابتدا تعریفی مشخص از مفهوم چندوجهی فرهنگ را که مورد پذیرش در علوم اجتماعی باشد، برای این مختصر در نظر بگیریم. به این ترتیب است که می‌توانیم فرهنگ را به مفهوم مجموعه‌ای از باورها، آداب، عادات و تکرش‌هایی که پیونددهنده اعضای یک جامعه با یکدیگر است، بدانیم. با درنظرداشتن این تعریف است که درمی‌یابیم اساسا جامعه بی‌فرهنگ، خراب‌ان باشد و خواه هر جای دیگر، تعبیری نادرست و بی‌معنی است. فرهنگ جوامع بشری هم پدیده ایستا و ساکنی نیست و کل با بخشی از اجزای تشکیل‌دهنده آن، به فراخور تحولات جامعه دگرگون می‌شوند. به این ترتیب است که می‌توان به ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی و پیشرفت فرهنگ جوامع پی برد. اینجاست که می‌توان اجزائی از فرهنگ ایرانی را برشمرد که شاید متناسب با تحولات جهان معاصر، پیش رفته باشد؛ اما در همین‌جا هم نباید از نظر دور داشت که این بی‌تناسی نه‌فقط محدود به جامعه ایران؛ بلکه درواقع دامن‌گیر اغلب جوامع درحال‌توسعه است. علاوه‌براین هم باید تأکید دوباره داشته بر اینکه بی‌فرهنگ قلمدادکردن جامعه ایران یا هرکجای دیگر، با ارجاع به بی‌تناسی در برخی از اجزای فرهنگی، سخنی غیرعلمی و کراف است؛ اما اینکه چرا تعبیری چنین بی‌پایه، در میان شمار روزافزونی از ایرانیان، گسترش یافته است، جای بررسی‌های کارشناسانه آن دسته از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی را دارد که در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی، رویکردی تحلیلی و مسئولانه را دنبال می‌کنند. روشن است که در این مختصر نمی‌توان به بررسی دقیق و همه‌جانبه این موضوع پرداخت؛ بنابراین ناگزیر هستیم که در اینجا به مروری کوتاه بر آنچه درباره این خودزنی جمعّی، مشاهده می‌شود و تأمل‌برانگیز است، بسنده کنیم. شاید بشود گفت که در فضای مجازی پارسی‌زبان، می‌توان شاهد بیشترین حجم از این خودزنی جمعی معطوف به بی‌فرهنگ‌شمردن ایرانیان بود. نه اینکه در فضای حقیقی سخنانی از این دست میان بخشی از مردم نباشد؛ بلکه از این نظر که فضای مجازی فرصتی برای مخاطب قراردادن گستره وسیع‌تری از دایره محدود آشنایان را فراهم می‌آورد و طبیعتا این‌قبیل مواضع نیز در آنجا مجال حضور چشمگیری پیدا می‌کنند، به‌ویژه آنکه اغلب هم از سوی کسانی ارائه می‌شود که نه دانش کافی رای سنجیده سخن گفتن دارند و نه در قبال گفتار خود احساس مسئولیتی به خرج می‌دهند؛ بنابراین تعبیر نادرست بی‌فرهنگی ایرانیان، مانند ده‌ها گرافه دیگر، به‌راحتی در فضای مجازی تولید و تکثیر می‌شوند. به این ترتیب است که هر رویداد تلخ و ناخوشایندی که روی می‌دهد، شمار زیادی را در فضای مجازی به اظهارنظر درباره بی‌فرهنگی ایرانیان ترغیب می‌کند. به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی، این کار به نوعی مناسک تبری‌جویی از هر رویداد ناخوشایندی تبدیل شده است و بسیاری از کاربران بلافاصله با متهم‌کردن ایرانیان به بی‌فرهنگی، گویی خود را در آنچه در اطرافشان رخ می‌دهد، متفک کرده و دیگران را هم دعوت می‌کنند تا با تأیید گفتارشان، به افتخار این دگربازی فرضی نائل آیند!

این دقیقا همان جایی است که بی‌مایگی این مدعیان برلما می‌شود؛ به‌این‌ترتیب که ناتوانی و درماندگی حاملان این تفکر یا در واقع تصور نادرستی از مواجهه با مشکلات و معضلات اجتماعی بازتاب می‌دهد. هیچ‌گاه کسانی که در حوزه‌ای، برای رفع مشکلات و اصلاح و بهبود امور می‌کوشند، به م‌هنوایی با این هیستری خودزنی جمعی نمی‌پردازند و تعابیری از قبیل بی‌فرهنگی ایرانیان اغلب از جانب کسانی وضع می‌شود که هم متشیان فاقد دانش کافی حتی در اندازه تعابیری که به کار می‌برند، هستند و هم خود احتمالا به طریقی، مروج یا بازتولیدکننده آنچه ناپسند قلمداد کرده‌اند، هم هستند!

این نکته هم ناگفته نماند که بی‌توانی فرهنگی و مزنتلی و گسل‌های اجتماعی میان بخش‌هایی از جامعه ایران هم زمینه‌ساز مناسبی برای رواج این جریان می‌شود. به‌این‌ترتیب که برای بسیاری از مروجان و تأییدکنندگان این قبیل تعابیر، نه دشمنی با کشور یا همه مردم ایران، بلکه تبری‌جستن از آن بخشی از جامعه که آن را به درست یا نادرست، هم‌تراز خود یا گروه اجتماعی خود قلمداد نمی‌کنند، تعیین‌کننده است.

✎ خانم میلانی! چرا در جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی، به داوری اعتراض کردید؛ چون واقعیت این است که فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش»، در جشنواره فیلم فجر به نمایش درنایمه بود تا درباره آن قضاوت شود؟

به داوری اعتراض نداشتم؛ چون اغلب فیلم‌ها را ندیده‌ام؛ ولی از واکنش جمع احساس کردم داوری خوبی انجام گرفته است. حرف من این بود که چرا فیلم‌هایی که به دلایل شخصی و سلیقه‌ای از جشنواره فجر کنار گذاشته شدند، در انجمن منتقدان که یک انجمن مستقل است، بررسی نشدند. جشنواره احترام خاصی برای رای و نظر منتقدان قائل بودم و هستم و فکر می‌کنم آنها منظور من را درک کردند. اعتراض و گلایه من این بود که اگر معیار داوری فیلم‌ها، فقط اکران‌شدن فیلم‌ها در جشنواره فیلم فجر است، خب در این صورت، خیلی از فیلم‌های دیگر مثل «هجوم» و «کاپانه» و فیلم من که از سوی شورای انتخاب به دلایل مبهم و سلیقه‌ای کنار گذاشته شده‌اند، بار دیگر مورد بی‌توجهی واقع شده‌اند.

مطمئن هستم اغلب اعضای انجمن منتقدان، می‌دانند که چرا فیلم‌هایی ما در جشنواره حضور نداشته‌اند؛ بنابراین طبیعی است که توقع ندارم فیلم‌هایی که از سوی شورای انتخاب دولتی فجر کنار گذاشته شده است، بار دیگر تنبیه شوند و انجمن‌های مستقلی مانند انجمن منتقدان هم به آنها بی‌توجه باشند.

در پاسخ سوّالی که من در مراسم انجمن منتقدان پرسیدم، یکی از منتقدان محترم گفت: در اساسنامه ایشان تنها به فیلم‌هایی توجه می‌شود که در جشنواره فجر حضور داشته باشند و خود ایشان معتقد بود باید اساسنامه مجدد بررسی شود.

البته فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» هم پروانه نمایش دارد و هم در جشنواره جهانی فیلم فجر نمایش داده شد و با آنکه به بخش مسابقه راه یافت، ما قبول نکردیم و فقط از مسئولان جشنواره خواستیم خارج از مسابقه، به نمایش گذاشته شود که به نمایش گذاشته شد؛ بنابراین می‌توانست مدنظر و بررسی دوستان منتقد باشد که احتمالا کوتاهی کرده‌اند.

✎ البته خانم میلانی حتما می‌دانید که منتقدان اغلب حامی فیلم‌های شما بوده‌اند؟

شک ندارم، البته اگر هم مخالف باشند، از نظر من محترم است. بحث من، کوتاهی و بی‌توجهی بود و دراین‌باره حرفی ندارم و اعتراضی نکردم. ✎ شما حتما می‌دانید که سینمای ایران به دلیل ماهیت دولتی‌بودن آن، به مباحث و دیدگاه‌های رایج و رسمی گرایش دارد. تنها در این میان مستقل‌ها هستند که بیشتر مورد بی‌توجهی واقع می‌شوند و اتفاقا همان‌ها هستند که به سینمای ایران اعتبار داده‌اند؛ امثال کیارستمی، فرهادی، مکر، امیر یوسفی و …، حالا شما به‌عنوان یک فیلم‌ساز مستقل، چگونه می‌خواهید حق خود را استیفا کنید؟

به دلیل اینکه با فیلم‌سازان جوان نشست و

برخواست دارم و حرف‌های آنها را می‌شنوم، احساس ایشان تنها به فیلم‌هایی توجه می‌شود که در جشنواره فجر حضور داشته باشند و خود ایشان معتقد بود باید اساسنامه مجدد بررسی شود. البته فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» هم پروانه نمایش دارد و هم در جشنواره جهانی فیلم فجر نمایش داده شد و با آنکه به بخش مسابقه راه یافت، ما قبول نکردیم و فقط از مسئولان جشنواره خواستیم خارج از مسابقه، به نمایش گذاشته شود که به نمایش گذاشته شد؛ بنابراین می‌توانست مدنظر و بررسی دوستان منتقد باشد که احتمالا کوتاهی کرده‌اند.

✎ شما حتما می‌دانید که سینمای ایران به دلیل ماهیت دولتی‌بودن آن، به مباحث و دیدگاه‌های رایج و رسمی گرایش دارد. تنها در این میان مستقل‌ها هستند که بیشتر مورد بی‌توجهی واقع می‌شوند و اتفاقا همان‌ها هستند که به سینمای ایران اعتبار داده‌اند؛ امثال کیارستمی، فرهادی، مکر، امیر یوسفی و …، حالا شما به‌عنوان یک فیلم‌ساز مستقل، چگونه می‌خواهید حق خود را استیفا کنید؟

به دلیل اینکه با فیلم‌سازان جوان نشست و



گفت‌وگو با تهیمینه میلانی، کارگردان سینما

نظر شخصی خطرناک است

فرانک آرتا

فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» به کارگردانی تهیمینه میلانی همراه چند فیلم دیگر توسط هیئت انتخاب سی‌وپنجمین جشنواره ملی فیلم فجر کنار گذاشته شد. ولی بعدا فیلم به دعوت رضا میرکریمی در سی‌وپنجمین جشنواره جهانی فیلم فجر به نمایش درآمد.
منتها به درخواست کارگردان، در بخش خارج از مسابقه اکران شد.
با برگزاری یازدهمین جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران (خانه سینما)، تهیمینه میلانی در سخنانی دیدگاه خود را درباره دیده‌شدن فیلمش در این جشن به طور علنی بیان کرد. بعد از آن اظهارات متفاوتی مطرح شد. به همین مناسبت با میلانی گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید:

تهیمینه میلانی در جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران

عمل شود. با این اوضاع، به نظر شما بهترین نوع عملکرد از جانب مسئولان چه خواهد بود؟

کاش فقط مشکل اینجا بود! آن وقت حداقل من اعتراضی نداشتم؛ اما مشکل اصلی این است که اغلب در برخورد با آثار فیلم‌سازان مستقل، عقیده و سلیقه‌های شخصی خود را وارد تصمیم‌گیری‌های صنفی می‌کنند. طبعاً منظور من همه مسئولان نیستند؛ ولی به‌طور مثال، بارها شاهد این بوده‌ام که مسئولی در یک دوره، فلان فیلم را مورد بی‌مهری قرار داده است و با تغییر او، مسئول دیگر همان فیلم را تشویق کرده است. خب، این یعنی اعمال سلیقه و نظر شخصی که خطرناک است. به‌هر حال در دوره‌های مختلف برخی از کارگردانان مرکز توجه و حمایت قرار می‌گیرند و ما هم به این وضعیت عادت داریم. مشکل از زمانی آغاز می‌شود که کار به بی‌احترامی و کشتادن فیلم‌سازان مستقل به بازخواست می‌رسد.

✎ باین حال همه می‌دانیم که چنین رویکردی چندان هم ساده نیست! جدا از این مسئله، مسئولان دولتی از فیلم‌های شما خوششان نمی‌آید. با این وضعیت چه خواهید کرد؟

خب! طبیعی است که رنج می‌کشم و غمگین می‌شوم. البته خوشبختانه این امر در مورد همه مسئولان صادق نیست وگرنه من چگونه می‌توانستم ۱۴ فیلم سینمایی بسازم؟ ولی گاهی احساس می‌کنم بیش از سایر فیلم‌سازان زیر ذره‌بین قرار دارم. شاید

چون موضوع اغلب فیلم‌های من در مورد مسائل زنان است. گویا جمعی از تصمیم‌گیران مایل نیستند به آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه آسیب‌های مربوط به زنان، پرداخته شود تا جامعه‌شناسان و روان‌شناسان راه‌حلی برای آنها بیابند!

این روزها هم با سرخوردگی بیش از پیش، شاهد هستیم که در کابینه دکتر روحانی برخلاف قول‌هایی که دادند، مشارکت بانوان در امور اجتماعی و اداره کشور به حداقل رسیده است و حتی به‌صورت نمادین هم زن وزیر در کابینه ایشان وجود ندارد!

تصور من این است که باوجود خواست و نیاز جامعه‌وا به رشد روابط اجتماعی که بخشی از آن به حل مسائل اجتماعی، اقتصادی و روانی زنان مربوط است، تصمیم‌گیرندگان چندان به این‌گونه مباحث علاقه ندارند.

فیلم جدید من «ملّی و راه‌های نرفته‌اش» که به‌زودی اکران خواهد شد، درباره ضعف ارتباط بین زن و شوهر، در جهت تحکیم بنیاد خانواده است که متأسفانه نه مورد توجه مسئولان و نه حتی مورد توجه معنوی دفتر مشاور زنان رئیس جمهور قرار گرفت و این در حالی است که هزینه تولید، نه از ارگان‌های دولتی که از سوی خود من و همسرم تأمین شده است، ضمن اینکه هیچ‌وقت از سوی مسئولان وزارت ارشاد مورد بی‌احترامی قرار نگرفته‌ام و می‌دانم که اغلب آنها مشکل خاصی با من ندارند، اما بی‌توجهی آنها به فیلم‌هایی با موضوع زنان رنجم می‌دهد. البته این موضوع در مورد برخی رسانه‌ها متفاوت است و آنها در نهایت گاه ادب را به کناری گذاشته و بی‌احترامی بسیاری به من و همسرم می‌کنند و حتی گاه اقدا می‌زنند.

✎ یکی از خبرگزاری‌ها تحلیلی ارائه کرده و گفته که «در جشن منتقدان، خانم تهیمینه میلانی که ظاهراً اتفاقات مطرح‌شده در فیلم ماجرای نیمروز به مذاقش خوش نیامده (با توجه به یکی از فیلم‌هایش می‌شود این ناراحتی را به‌خوبی دید) و از سوی دیگر از اقبال مردم و منتقدان به این فیلم ناراحت کرد تا روی صحنه آمد و حرف‌هایی زد تا شاید خواسته یا ناخواسته، هم از جشن و شادی عوامل این فیلم و هم از ناراحتی جماعت مدعی بکاهد. خانم میلانی با اظهار ناراضی‌تنی از توجه انجمن منتقدان به این فیلم آنها را از دوست‌داشتن فیلم‌هایی شبیه ماجرای نیمروز برحذر داشت. میلانی تلاش کرد تا در دسته‌بندی سینما به دو بخش دولتی و غیردولتی سینمای دولتی را سینمایی شکست‌خورده بداند که نه منتقدان و نه مردم نباید به آن توجه کنند».

تحلیلات چیست؟

من هرگز چنین مطالبی را در جمع بیان نکرده‌ام. فیلم صحبت‌های من در انجمن منتقدان موجود است و همه می‌توانند ببینند. چه بسیار فیلم‌های دولتی که مورد توجه مردم و منتقدان قرار گرفته‌اند. احتمالاً نویسنده این مطلب، حدسیات خود را بیان کرده، البته نظر شخصی من، در مورد هر فیلمی برای من محفوظ است.

تهیمینه میلانی در جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران

نیز بیان کرد: «افتخارم این است که از منتقدها هستم و بابت دیر شکوفاشدن این استعداد عذرخواهی می‌کنم. **بازنگرنز**

تندیس بهترین نقش مکمل زن جشن یازدهم به طناز طباطبایی برای «ویلایی‌ها» رسید.
نوبد محمدراده که برای اهدای جایزه روی سن آمده بود گفت: «من خیلی زود به‌عنوان جایزه‌نده دعوت شدم. از این به‌بعد شاید فقط دعوت بشوم برای اهدای جایزه». محمدراده در برابر انتقادات به عزت‌الله انتظامی عنوان کرد: «هرکسی یک نامی دارد؛ وقتی می‌گویم آقای بازگیر؛ یعنی استاد عزت‌الله انتظامی و باید به وی احترام بگذارید. قرار نیست به عزت‌الله انتظامی بی‌احترامی کنیم. نمی‌توانیم درباره کسی که به او آقای بازگیر می‌گویند آن‌قدر راحت حرف بزنیم؛ همه تاج سر من هستند، اما قرار نیست به استاد انتظامی بی‌احترامی کنیم. عذر می‌خواهم که این‌طور حرف زدم، ولی ایا کاش بدانیم چه می‌گویم». مسعود رایگان نیز بیان کرد: «سینما بدون منتقدان معنا ندارد، اما نقد را به‌عنوان یک جریان تخصصی بگیریم. در این مراسم، منوچهر شاهسواری، مدیرعامل خانه سینما، به حواشی انتقاد یک بازگیر پیش‌کسوت از بازگیری دیگر اشاره کرد و گفت: «وای بر ما و نسل ما که تنفر می‌پرانکنیم. اتفاقاتی افتاد که می‌خواستم مراسم را ترک کنم. از نوبد محمدراده و حامد بهداد ممنونم که به ما احترام یاد دادند». دیلم افشار بهترین بازگیر نقش اول زن به ثریا قاسمی برای فیلم «ویلایی‌ها» اهدا شد. تندیس بهترین بازگیر نقش اول زن به لایلا حاتم‌ی برای فیلم «رگ خواب» رسید.

جوایز دیگر

تندیس بهترین فیلم‌نامه به معصومه بیات برای فیلم «رگ خواب»، تندیس بهترین فیلم‌برداری به مسعود سلامی برای فیلم «فگکی»، تندیس بهترین طراحی صحنه و لباس جشن یازدهم به بهزاد جعفری‌طادی برای «ماجراجی نیمروز»، تندیس بهترین موسیقی متن به سهراب پورناظری برای «رگ خواب»، تندیس بهترین چهره‌پردازی به محسن درانسنج برای «ماجرای نیمروز» و تندیس بهترین تدوین به بهرام دهقانی برای فیلم‌های «نگار» و «فگکی» رسید.
دیلم افشار بهترین کارگردانی به محمدحسین مهدویان برای فیلم ماجراجی نیمروز تعلق گرفت. این جایزه قرار بود از سوی پناهی اهدا شود که او امتناع کرد، اما مهدویان گفت: «خوشحالم در جشنواره فجر جایزه بهترین فیلم از نگاه مردم را گرفتم و امشب هم از منتقدان این جایزه را دریافت کردم»، اما درعین‌حال جعفر پناهی گفت: «ما نمی‌گویم دولتی‌ها فیلم ن‌سازند، اما اگر صد سالن به آنها می‌دهید، یک سالان هم به ما بدهید». همچنین تندیس بهترین کارگردانی به حمید نعمت‌الله برای فیلم رگ خواب رسید.
نعمت‌الله پس از دریافت جایزه‌اش عنوان کرد: «نظر منتقدان برایم اهمیت زیادی دارد، زیرا شما نقش مهمی در ماندن یک فیلم در یادها دارید». تندیس بهترین فیلم نیز به حمید نعمت‌الله برای فیلم «رگ خواب» رسید.

زیر آسمان فیروزهای

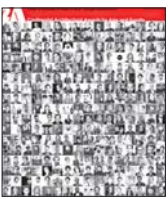
«پچ‌پچه‌های پشت خط نبرد» پس از ۵۵ سال بار دیگر شنیده شد



● **گروه هنر:** «پچ‌پچه‌های پشت خط نبرد» اشکان خیل‌نژاد پس از پنج سال دوباره روی صحنه رفت. به گزارش روابط‌عمومی این نمایش، «پچ‌پچه‌های پشت خط نبرد» نوشته علیرضا نادری و به کارگردانی اشکان خیل‌نژاد که آذر و دی ۹۱ در تالار مولوی اجراهای موفقی را پشت سر گذاشته بود، چهارشنبه، ۲۵ مرداد، پس از پنج سال در سالن شماره یک پردیس تئاتر شهزاد روی صحنه رفت. این نمایش همان سال جایزه مسالانه کارگردانی کانون کارگردانان خانه تئاتر را کسب کرد. در این نمایش محمد اشکان‌فر، سینا بالاھنگ، حمید رحیمی، کیوان ساکت‌اف، محمدهادی عطایی، مهدی قریضه، امیراحمد قزوینی و نوبد محمدراده بازی می‌کنند. «پچ‌پچه‌های پشت خط نبرد» تا پایان شهریور ۹۶ هر شب ساعت ۲۲:۲۰ به مدت ۱۲۰ دقیقه روی صحنه می‌رود و بلیت‌های آن در سایت تیوال در دسترس است.

مجله 2A برگزار می‌کند

سومین جایزه معماری آسیا-اروپا در برلین



● **گروه هنر:** مجله 2A در کنار رسالت خبری رسانه‌ای خود، فعالیت جدیدی را در دنیای اتفاقات معماری، طرح‌ریزی و معرفی کرده است. این برنامه با عنوان «جایزه معماری آسیا»، یک رویداد سالانه است که با همکاری نهادهای دانشگاهی، فرهنگی و حرفه‌ای معتبر آسیایی، به بازشناسی و معرفی دستاوردهای قاره آسیا در حوزه‌های نظری و عملی معماری و شهرسازی می‌پردازد. ... و چالش‌های معاصر موضوعی مرتبط با معماری آسیا برای این جایزه تعریف و اعلام می‌شود.

این دوره به‌عنوان سومین سال برگزاری در شهر برلین برگزار می‌شود؛ این دوره هم مشابه سال‌های گذشته بر چگونگی پاسخ‌گویی معماران، شهرسازان، طراحان منظر ... و چالش‌های معاصر در حوزه معماری و شهرسازی در آسیا تمرکز داشته و موضوع آن Innovative Architecture in Asia» تعریف شده است. بخشی از این چالش‌ها مقیاس و الفبایی جهانی دارند، اما بخشی دیگر خاستگاه و ماهیتی منطقه‌ای و محلی داشته و ناشی از تنوع و پیچیدگی‌های فرهنگی، اجتماعی، شرایط خاص اقتصادی و ویژگی‌های بوم‌شناختی و محیطی در کشورهای آسیایی هستند. بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین این چالش‌ها این است که چگونه طی قرونتمادی در شخصیت کالبدی بناهای معماری، شهرها و سکونتگاه‌ها، در تمدن‌های مختلف آسیایی شکل گرفته و تداوم داشته است، می‌تواند در جریانات معاصر معماری و شهرسازی در این تمدن‌ها (کشورها)، بازنمود داشته و زنده و سیال جریان داشته باشد. جایزه معماری آسیا همچنین درصدد است که شناسنده و بازتاب‌دهنده تجربه معماران در نحوه پاسخ‌گویی به این چالش اصلی باشد. جایزه امسال به صورت دومرحله‌ای در حال برگزاری است. ارسال کار در هر دو بخش بدون هزینه است. مرحله نخست، ثبت‌نام و ارسال مدارک برای شرکت در جایزه به‌صورت آنلاین است. احمد زهادی، سردبیر و مدیرمسئول مجله بین‌المللی 2A، می‌گوید: «جایزه معماری آسیا امسال توسعه یافته و به‌صورت گسترده به واژه «قاره‌ای» تغییر کرده و امسال این جایزه مربوط به دو قاره مهم آسیا و اروپاست که در حال برگزاری است، برای هر دو قاره دیدگاه‌های مربوط به خود (با توجه به شرایط تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی) تعریف شده و به طور مجزا هیئت داوران دعوت شده‌اند و با وجود برگزاری دو جایزه به موازات یکدیگر، به‌صورت جداگانه و با شرایط مربوط به خود، برگزار می‌شوند. برگزاری هم‌زمان این دو جایزه در دو قاره مهم در دنیا که هر سال در یکی از شهرهای مهم جهان انجام می‌شود، دستاوردهایی از قبیل «گفت‌وگو، تبادل، تعامل در قاره» را آید، روش و دیدگاه‌های معماران در دو قاره» را با خود به دنبال دارد و این همان نقطه عطفی است که مفهوم جایزه معماری قاره‌ای را تفسیر و روشن می‌کند». به گفته او، امسال (سال ۲۰۱۷) تعداد ۴۷۵ پروژه بارلزش در جایزه معماری آسیا و از آن ۲۴ کشور شرکت کردند و در حال حاضر هیئت داوران در حال بررسی و در نهایت اعلام فهرست کاندیداهای (برندگان) جایزه هستند. شیت‌های معرفی پروژه صعودکنندگان به مرحله دوم جایزه، ازسوی هیئت داوران (در محل دانشگاه تکنیک برلین) مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در نهایت برندگان در مراسم جایزه معرفی می‌شوند.